









































































































این زمینها تحت عنوان خانه سازی برای صاحبان آلونک استفاده  
 از برق آب لوله کشی و بهداشت سالم ، نقشه ای طرح نموده  
 آنها را با همدین عنوان ، به دو راتناده ترین نقطه شهر ( حوالی  
 کوی طلابه راه آهن ، که تمام جاده های آن خاکی است ) کوچ  
 داد و سپس با بوق و کرنا سرصد ابراه انداخت که بزلفه نشینان با  
 سهل ترین شرایط یعنی ماهی ۳۰ تا ۵۰ تومان خانه داد ما .  
 با باز دید از این خانه عاباین نتایج رسیدیم :

خانه ها دارای یک اطاق و صد و پنجاه و یک حیاط کوچک با آب و  
 برق بود که شهرداری برای هرکدام حدود ۱۵۰۰ تومان خرج کرده  
 بود ، در حالیکه به آلونک نشینان بمبلغ ۴۰۰۰ تومان واقتضای ما  
 ۵۰ تومان فرخته شد . و چون زمین این منازل از آن آستان قدس  
 ( ملک خصوصی شاه و دربار تحت عنوان موقوفات امام رضا که تولید  
 آن باشخصی هائین است ) و از نظر ساختمانی بسیار مست بنهاد  
 است لذا پس از اتمام قسط ها از همارت چیزی باقی نمانده و نو سازی  
 مجدد نیز غیر ممکن است ، زیرا هم صاحبان خانه نغیرند و هم زمینها  
 اجاره ای است .

۲ - شهرداری زمینهای مؤثر ، محله قاشی هارا که در وسط شهر  
 بود تصرف نموده و باقیمت های کلان از آن سود برد و عووض زمینهای  
 نامرغوب را با شرایط فوق بآنها سپرد .

۳ - افراد آلونک نشین به علت سکونت در مرکز شهر زن و مرد با اطراف



آمده ویکارهایی نظیر رختشویی، خدمتکاری، عملی و دستفروشی و برف ریزی و ۰۰۰ می پرداختند ولی با در رفتن از شهر رژی بودن و سله رفت و آمد و خصوصا بازمانده های سرد مشهد و مشکلاتی دیگر امکان کار کردن نیز برای آنها کم شد .

۴ - اجباری بودن پرداخت پول آب و برق ، که خود اهالی از آن کاملا ناراضی بودند و میگفتند بجای برق میتوانند از چراغ نفتی استفاده کنند و یا اگر در مرتز شهر بودند از آب فشاری ، ولی در اینجا بایستی ماهیانه ۵ تا ۱۰ تومان پول آب بپردازند ( در صورت مصرف یا عدم مصرف ) .  
خلاصه عده ای چنین عقیده داشتند که با همین ماهی ۵۰ تومان می توانستند قبلا در شهر اطاقی اجاره کرده و یکارهایشان برسند و لسی امروزه بگر با بالا رفتن سرسام آرزاجاره ها این امر نیز برایشان غیر ممکن گشته است .

x-x-x-x-x-x-x-x-x-x-x-x-x-x-x-x  
بعد از جریانات سالهای ۱۲ - ۲۹ و پیش آمدن واقعه

تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ مبارزه خلق ما وارد مرحله نهی شد • ویژگی  
عمده این مرحله ایمان خود بخودی خلق به مبارزه قهرآمیز بعنوان  
تسهاراه رهائی خلق بود چراکه مبارزات مردم در راههای رفورمیستی  
به بن بست رسیده بود • در جریان این تحول تاریخی دشمن و مردم  
بعنوان درجه نه تنها د اصلی موجود در جامعه دارای کیفیت نهی  
شدند • درجه دشمن ضایع امپالینم و رفورتهای حیاتی آن ایجاد  
میکرد که در ایران روابط تولیدی در جهت ضایع سرمایه داری وابسته  
و جایگزینی سیستم استثمار بورژوازی بجای سیستم استثمار فئودالی تغییر  
کند و روابط با این تغییر قدرت سیاسی نشود الونم ازین رفته و قدرت  
سیاسی بورژوازی وابسته جانشین آن شود • در جریان حاکمیت بورژوازی  
تیمار زورشده آن ارگانهای مهم (سیاسی - نظامی - پلیسی - اقتصاد  
تولیفاتی ۱۰۰۰) از شکل ساده خود درآمده و در جهت پیچیدگی سیستم  
امپالینم در این مرحله از تاریخ تغییر نموده است یکی از این ارگانها  
که در این حال محتوای اصلی حاکمیت مرکب رژیم را در این مرحله تشکیل  
میدهد ارگان پلیسی آنست • این ارگان با استفاده از تجارب همسند  
انقلابی امپالینم و نیز تجارب ویژه خود در ایران سازماندهی نوین می  
یابد و با یکارگرفتن شیوه های پیچیده ای که خاص بورژوازی است ابتدا در

شایستگی خود را به عنوان پلیس میانی رژیم کهرادوری ایران نشان  
 دهد. • استراتژی اساسی این ارتان رژیم، همان بود کردن هر نسوع  
 جنبش در منطقه آنست و این درسی است که امپریالیزم در مبارزه با  
 خلقهای انقلابی جهان بد رستی آموخته است شبیه های و ی  
 نیز استفاده از شبیه های میانی و علمی خاص، پیروزی است.  
 و اما جنبه مردم نیز کیفیت نویسی پیدا کرده است. • پس از این  
 که خلق در تجربه عینی خود به پیروی وی اثری حربه های رفورمیسم  
 ایمان می آورد، نیروهای مخالف ( ایوانسویون ) در نقش ریشتر از آن  
 آگاه مردم با جمع بندی مبارزات گذشته ضرورت کسب بیشتر علمی و  
 ورود به مرحله مبارزه مسلحانه را درک میکنند. ولی قبل از آغاز ورود  
 مسلحانه عبور از یک مرحله سازماندهی سنگین و خاموش ضرورت داشت  
 تا در شرایط صلحی که در برده است، استوار از دشمن بوجود میاید، به پیشواز  
 بتوانند ارکانهای خود را در حدی که برای آغاز درگیری با دشمن لازم است  
 بهیچید نماید. • در جریان سازماندهی پیشواز حرکت گسترش شهر  
 پلیسی رژیم از کتو و اشتباهات تاکتیکی مبارزین از سوی دیگر چنسد  
 گروه لومبروند. • پلیس در برخورد مستقیم با این گروهها از طرفی نسبت به  
 تئوریهای علمی ضد شورشی که حاصل جمع بندی بهای امپریالیسم و  
 هم میومست است، پی میبرد و از طرف دیگر تجربه خود را غنای بیشتری می  
 بخشد. • هر چند تجارب حاصل از برخورد رژیم با گروههای مبارزه بهر  
 از زندان، هفتقل نمیشود ولیکن ضرورت مزبور گروههای دیگر را هشدارتر

## ----- جنگ ----- صفحه ۴۱

نسبت به جایگاه مسائل امنیتی ووقتی ترمیکند . از اینرو با اینکه دشمن با کشف این گروه هم اسواهدی از وجود حرکت جدید خلق بدست میآورد ولی هنوز از آنجمله نیروی عمده . جنبه را از چشم اضمحان است بحضت این حرکت واقف نمیشود . با روشن گروه چریکهای فدائی خلق و آغاز نبرد مسلحانه و متعاقب آن موج دستگیریهای از گروههای مجاهدین خلق آلمان ، المان ، رهایی بخش ، ستاره سرخ و . . . دشمن بو حوثت میافشد و مردم بشور و جنبش . تعداد زیادی از انقلابیون اعدام میشوند و یاد درگیریهای مسلحانه قهرمانانه بشهادت میرمندی و نور تند از خیلی بیشتری به زندانها کشین میشوند نتیجه این میشود که چسوی سیاسی ، فرهنگی و انقلابی زندانها جنبش چشمگیر نمایند . کمیت زندانیان سیاسی بطور بیسابقه ای افزایش مییابد و بیژگی مری که در این دوران زندان پیدا می نمایند کیفیت بالای انقلابیون ، میباشد و این امر طبیعی است . زیرا پیشتر از این مرحله راه درست را با زیانته است و ایی وقته خود را برای احراز ، صلاحیت رهبری خلق در مرحله نوین تاریخی اش آماده مینماید کیفیت نویی که زندان پیدا کرده است بدلائل زیر است :

۱ - مبارزین از بینجی علمی برخوردارند و بخوبی قدرت جمع بنیستی مسائل را دارند و این قدرت را در برخورد مستقیم با پارتیک شخصی انقلاب کسب نموده اند .

۲ - دارای بهنر ، سیاسی و استراتژیک با کیفیت بالا و برخورد ار از ضبهر .

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## ----- جنگل ----- صفحه ۵۰

انقلابی هستند که حاصل کار جمعی چندین ساله است •  
۳ - در امر آموزش و سازندگی افراد و ارزیابی و صلاحیت افراد دغدغه علمی دارند که حاصل تجربیات ارزنده آنها در امر آموزشی و سازندگی انسان است •

۴ - به علت برخورد آری از قدرت جمع بندی و پیشتر استراتژیک تاندن که کار اصلی خود را در زندان و در رابطه با جنبش مسلحانه ( به عنوان عرصه اساسی نبرد ) مشخص سازند و با سازماندهی مناسب در جهت هدف اصلی خود گام بردارند •

۵ - به علت برخورد مستقیم با دشمن بشیوه های پلیسی در بیکردن و مبارزه و بازجویی و دستگیری و ... دید عینی پیدا کرده اند و این امر مبارزه امکان میدهد که تجارب تاکتیکی جنگ شهری و نیز صفهای راکت پیشتاز را در سازماندهی و شیوه های آموزش با آن مواجه بود و جهت جمع بندی کنند •

این امر به علت وجود افراد با تجربه که خود مستقیم در جریان مسائل جنبش بوده اند تحقق یافته است • زیرا هم تمرکز تجربی بوده است و هم افراد ی که قدرت جمع بندی تجارب را دارند •  
۶ - به علت وجود روابط فعال یا مسائل جاری جنبش، که ناشی از دستگیریهای مداوم پلیس است این جمع بندیها تا حد زیادی، با محیط سیاسی بیرون تطابق دارد •

باتوجه به مسائل فوق الذکر کاره جوری زندانها را سیاسی در

رابطه ناچیز. سلحانه چنین مشخص میشود :

الف - جمع بندی تجربیات جنبش و ادامه کسب شوریک در حدی

که برخوردارهای عینی بآنها اجازه میدهد .

ب - آموزش، تجارب و تئوریهای مدون شده به عناصر سیاسی

تازه کاردارای حکومت های کوتاه که ازآزادگی درونی سیاسی برخوردارند وجود این عناصر ناشی از تاثیر عمل سلحانه و روش گروههای خود پیروی است . این عناصر که در ابتدا بافاندی ساده و اثباتاً برایمان و شور و مبارزه قدم بیدان مبارزه سیاسی میگذازند پس از برخورد با دشمن و گدستن از در اهل بازجویی و شکجه تحت آموزش انقلابی مبارزین بسا تجربه قرار میگیرند و بدین ترتیب افرادی از آنان که از دینامیسم درونسی مساعدی برخوردارند با دیدن يك دوره آموزشی مدون در زمینه مسای مختلف سیاسی - ایدئولوژیک ، تجاربی و . . بافکری پیچیده تر شناختی عینی تر بدشمن و مسائل مبتلا به جنبش ، د و باره قدم با اجتماع میگذازند با این تفاوت که اکنون د یگر آ داده کاری عمیق هستند . بدین ترتیب میبینیم که چگونه محیط زندان بد انشناه انقلاب تبدیل میشود و چگونه سیستم دستگیر بادرد را ز مدت همراهات پس سنتینی را برای دشمن در بردارد و در واقع پیروزیهای تاکیکی دشمن نطفه های شکست استراتژیک او را در شکم خود می پروراند .

د ر اینجا باید بپرسیم ، عامل مهمی که در نقش شرایط مساعدی برای

ادامه کار زندانیان سیاسی ظاهر شده بود اشاره کنیم . این شامل عدم

## ----- جنگل ----- صفحه ۵۲

پیچیدگی ذهن کارهای شه‌ریانی نسبت به ساواک و برخورد ساده آنها با زندانیان سیاسی بود. این تفاوت کیفی که بین برخورد های ساواک و شه‌ریانی با مبارزین سیاسی وجود داشت از عوامل زیرناشی می‌شود:

۱- تعلیمات خاصی که کارهای ساواک دیده اند و حاصل جمع بندی برخوردهای امپریالیسم و امپریونیسم با مبارزین انقلابی است و در مقابل عدم برخورداری کارهای شه‌ریانی از این تعلیمات این امر منطقی کار اصلی هر کدام از آنها وجود دارد. ساواک به عنوان پلیس سیاسی بورژوازی کبریا و روسپیچیده ترین ارکان ضد شورشی آن عمل میکند و این بطاقت ضرورت برخورد مستقیم و روستا روی وی با عناصر سیاسی است. در حالیکه تا بحال برخلاف مساله دستگیری و بازجویی و شکنجه که اساسی ترین مساله رژیم در سپاه کردن استراتژی ضد انقلابی اش. (خفه کردن هر جنبش دلی نقطه آن) میباشد. مساله زندانیان سیاسی به عنوان یک مسئله اساسی برای رژیم مطرح نبوده است (تا قبل از آغاز نبرد مسلحانه و اوجگیری جنبش)

۲- برخورد زیاد و مستقیم ساواک با عناصر سیاسی چریکی آنها در حد ترین و پیچیده ترین شکل خود که همان تعقیب و دستگیری و بازجویی این عناصر بود. است دید ساواک و نه بت به شیوه های پیچیده و اثرات سیاسی تاحدی عینی کرده است. خصوصاً

\*\*\*\*\* جنگل \*\*\*\*\* ۵۱

که با آغاز نمودن مساجد باجره‌های سیاسی -- نظامی برخوردار نهانته  
است که آخرین محصول حرکت تکاملی خلق در این مرحله از تساریخ  
مبارزاتش میباشد .

۲ -- نبودن کارحمتی زندانیان سیاسی که معتقد بسودند  
یک قانون عام در اجتماع انسانی است و این قانون عام در رابطه  
باشرايط خاص تمساشکل وقابل خود را عرض مينمايد در ذهنی بودن .  
دشمن بازرش و کیفیت کارحمتی همان بمن که رژیم برای مدتی هر چند  
کوتاه اجازه داد که جمع براری اجناس زنده\* چرخی حتی در او پس  
تشکیل شود . ( اجتماع کادرهای بالای چریکهای فدایی وجاهدین  
در اوین ) باتوجه به دینامیسم در روش زندانیان و عوامل مساعد بالا کار  
آموزشی در رابطه با مسائل جنبش بیشتر شدت در زندانیان داده میباشد و  
تأقیل از لورتنن یکدیگر مداری مربوط به .. از زماندهی <sup>عل</sup> خصیره ها رود .  
آموزشی هنر و عمق کاری که در زندان صورت می پذیرفت برای دشمن  
ناشناخته بود . ولی .. او را که تحمل کار سیاسی یک گروه روشنفکر  
۲ یا ۴ نفری را ندارد برایش بسیار آزران بود که در زندان قدر در رژیم  
هدایت شمیرانی کار سیاسی و میگویم چه از جنبه تعلیم و چه تالیفی  
انجام گیرد . لذا اهدواره مترصد این بود که بهانه ای بدست آورده و  
شمیرانی را به بیعرفتمگی در اداره زندانیان ما متهم کند تا کنترل زندانیان  
را بهنده بگیرد ( تضاد شمیرانی با ساواک ) . بنابراین شورشی  
( اعتصاب ) تیر در زندان شماره ۴ نصر که تمام مقامات شمیرانی از



افسر نگهبان زندان تا معاون شهربانی قادر به خواباندن اینسنت  
اختصاص نشدند باعث شد که بهانه ای دست ماوان داد و شهربانی  
را به عدم کنترل زندان متهم سازد که بدنبال این جریان تمام کارها  
که در زندان انجام میگرفت معدوم شد از جمله :

۱- کار سیاسی ۲- داشتن روحیه قوی در زندان ۳-

سرود خواندن ۴- ورزشهای دسته جمعی ۵- آتش زدن

عکس شاه بناسبت عید سال ۵۲ ۶- اینکه تمام کارهای زندان

دست زندانیان بود ۷- کتک زدن و هرکردن پاسبان وانسنت

نگهبان بدفعات متعدد ۸- طرز زندگی بصورت کمونی و ۰۰۰۰

که همه اینها حاکی از این بود که زندانی عوض زندانی کشیدن مثل

اینست که وارد یاک ارد و گاه چریکی شده است • و شدیداً تحت تعلیم

است • بخاطر همین جریان بود که کادرو زندان از افسر تا معاون

شهربانی ( شاید هم رؤس شهربانی ) همگی عوض شدند و شهربانی

برای اینکه نشان دهد خود تان رخواست بود زندان را کنترل نکند

ابتکار عمل را بدست گرفت و با استقرار کارکارد ضد شورشی در کنار زندان

موضع خود را قوی کرده و با حملات متعدد بزندان ، تمام کارها تیکه آن

جا انجام میشد ، برهم زد • از جمله زندانی بصورت دسته جمعی

برهم زده شد و تمام کارهای سیاسی هم تعطیل و اغلب رفقا یکی دو

بار در محلا کتک خوردند • ابتدا تصور اینست که بایک سری حرکات ، تمام

اختصاص ملاقات بشماره کردن و اختصاص غذا ، میتوان پاب در از این موضع

واداره عقب نشینی کرده که در جریان انتخاب، ملاقات ریگسری  
حرکات فردی بدین نتیجه رسیدند که موضع پلیس نو و الحاده  
قوی است و اگر نخواهیم پلیس را واداره عقب نشینی و دادن امتیاز  
شکم باید از خارج از زنن بآن فشار آورد. لذا رفتن نظر داشته  
بجمله اینکه کار سیاسی در زنن، ان بعنوان پشتوانه ایند ثلث یکی  
جنیش نقدر حیاتی دارد حتی بایستی از دلج برزند ان فشار وارد  
شود که هر چند زبان بگذرد برگشت به حالتی بهتر در زنن ان حال  
میشود که این فشار بر خارج بصورت های زیر میباشد:

۱ - در جریان گذاشتن جامع شرقی در خان از کشور

(کفد راسیون و ۰۰۰)

۲ - انصاف بخاطر زندانیان سیاسی درد انشگاه

۳ - در جریان گذاشتن توده مردم بهر وسیله

۴ - اعتراضی بستگان زندانیان به شهرمانی و زندان

خلاصه بعد از قایع اواسط تیرماه کادو زنن ان بالکل عوض

شد و یکسری انحراف تربیت شده ناشیست بر سر کار آمدند. ابتدا

کار دستتر شد و بعد در زنن ان برای پخش آهنگ و سرود ایند کور

نصب کردند که اعتراضی بجه ها اثری نکرد و پلیس تهدید کرد که

که از این ببعد حق زندگی جمعی و سرود خواندن و دست زدن و

داشتن هفتگرو ۰۰۰ نداشتند. برادران که هنوز موضع پلیس را

نشناخته بودند زیاد اعتراض کردند و از یکی از زنن که آزاد میشد مثل

----- چنگل ----- صفحه ۵۶

سابق بادست زدن تودیع میکردند که پلیس بزندان حمله کرد و پس از تخریب همه وسائل عده ای را بعنوان محرک به زندان محبوس انداخت که عبارت بودند از: مسعود رجوی و دکتر شیانی بیرون جزئی و جابریزاده، بهرام پراشی و چند نفر دیگر که ابتدا آنها را بشدت کتک زدند روز بعد به سرزندان راجع اینک هنگام ورزش بلند شمارش میکرد و بعد از دو بار کتک با باتم به زندان عادی بنسب دیوانه خانه انداختند. همان شب رئیس زندان به همراه کاردار بهانه خندیدن زلفا و بزندان حمله کرده ۹ نفر را دستگیر و این افعال را با آنها انجام داد. موسی خیابانی ( فلک و کهنه زندان در بند عادی ) جلال صحرایی و انشاری قاسمی و سه نفر دیگر از شب تا صبح بطور معلق و وارونه از سقف آویزان کردند و بعد آنها را به بنسب دیوانه خانه انداختند سه نفر دیگر را به بندهای مختلف زندان عادی منتقل کردند و در ضمن رفقا در زندان عادی حق صحبت کردن با احدی را ندادند و با هدین بهانه بود که پلیس به ام مدرسی را به خاطر صحبت با زندانیان از صبح تا ظهر در حمام با بدن خیس با تم وضت و لگد پز پراشی کردند. و عجیب اینست که زندانیان به عادی نسبت به زندانیان سیاسی شد بد اسمهای نشان داده و از رفقا با صلوات استقبال کردند و از رفقا بطور مخفیانه پز پراشی کرده پول و غذا اوسیگارد میکردند که سراین جریان عده ای از آنها هم بشدت فلک شدند.

## ----- جنگل ----- صفحه ۷۰

این جریان هینطور ادامه داشت و هم اکنون هم ادامه دارد . مثلا محمود عطایی ، حاج مهدی عراقی و سعید رجوی را تا حدود ۲۰۰ ضربه با تسم زدند . همین جریان در زندان شماره ۴ ادامه داشت ، در آنجا شخصی بنام حسن پور آنگنان با تسم برفرق سوز زدند که دچار اختلال حواس شد . همه کسانی که در زندان مجرد بودند یکبار فاک کردند . یک هفته قبل از ۸ مرداد به بیماری از اسفند منجمله خودتدل ، رحیمی ، ذوالانوار رحمن بهرامی و رادی زاده را شماره ۲ منتقل کردند و روز ۴۸ مرداد در زندان شماره ۴ جشن گرفتند که جریان اینطوری بود : عده ای حدود ۱۰۰ نفر با سپان را با لباس شخصی در آورده و گفتند اینها زندانیان قزل هستند که برای جشن آمده اند . عده ای هم از کسانی را که بریده و جازده بودند از زندان شماره ۳ و ۴ بردند و بقیه رفقای زندانی شماره ۴ را به زور کمک گارد مجبور کردند که در جشن شرکت کنند و آنها بدون اینکه دست بزنند چیزی بخورند سر را باین انداختند و روی فرشها نشمستند و جشن باشعار و سرود و سخنرانی و نذرانی باشیرینی و کسب برداری تمام شد . کسانی که در زندان مجرد بودند بعد از ۳۰ الی ۵۰ روز برگشتند . جابر زاده و رجوی شدت مرخصی شده بودند . الان اثری از زندگی سابق در زندان نیست و تقریباً بطور انفرادی زندگی میکنند . از آن طاق به طاق دیگر رفتن مشکل است . وجهی از قاسمی را به خاطر اینکس

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

